

پاسخ به سئوالات

س - سؤال شده است که چگونه می توان کمیته اعتصاب تشکیل داد و درکارخانه‌ای که هر کس دنبال نان می دود اعتصاب سازماندهی نمود؟ درعین حال سؤال دیگری مطرح شده است به این مضمون که طرح شعار شوراها از سوی سازمان آیا به معنای دور افتادن آن از واقعیت‌های عینی جامعه نیست و به عنوان فاکتی‌دراین مورد به عدم استقبال مردم از شوراها اشاره شده است.

از بحث اعتصاب آغاز می کنیم. اعتصاب یکی از اشکال اصلی و در عین حال موثر مبارزه طبقاتی کارگران است. اما این بدان معنا نیست که طبقه کارگر تحت هر شرایطی آماده اعتصاب است و یا کارگران برای تحقق هر مطالبه خود به حربه اعتصاب متوسل می گردند. کارگران هر کارخانه و موسسه ای همواره مطالبات و خواست هایی دارند و همواره برای تحقق آنها تلاش و مبارزه می کنند. اما بسته به شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی و سطح مبارزه طبقاتی کارگران این مبارزه می تواند اشکال بس متنوعی به خود بگیرد. گاه این مبارزه شکل علنی و محسوسی به خود نمی گیرد و در شرایط دیگر مبارزه ای کاملا آشکار و رودرروست. تحت شرایطی ممکن است کارگران اصلا اوضاع را برای طرح مطالبات خود مناسب نبینند، در شرایط دیگر به طرح شفاهی و یا کتبی این مطالبات و تقاضای تحقق آنها از کارفرما اکتفا کنند. گاه به روش های صرفا قانونی متوسل گردند و در شرایطی دیگر از شیوه هایی که حتی غیر قانونی محسوب می شود، برای به کرسی نشاندن خواست های خود استفاده نمایند. لذا عجیب نخواهد بود اگر کارگران یک کارخانه به رغم این که مطالباتی دارند که برآورده نشده است، حتی برای مدتی مدید به اعتصاب متوسل نشوند و تمایلی به استفاده از اعتصاب نداشته باشند. مثلاً در نظر بگیریم ۱۰ الی ۱۵ سال پیش را با شرایط امروز در آن سالها تعداد اعتصاب کارگری که در ایران به وقوع می پیوست بسیار محدود بود، اما اکنون استفاده از حربه اعتصاب در مبارزات کارگران چنان وسعتی به خود گرفته که حتی اگر به روزنامه های رژیم نظیر کار و کارگر هم نظری بیافکنیم، کمتر روزی را می توان یافت که خبری از اعتصاب و راهپیمایی و تجمع کارگران در میان نباشد. بنابراین اگر در کارخانه مفروض، کارگران اکنون تمایلی به اعتصاب از خود نشان نمی دهند، از آن رو نیست که کارگران مشغول نان درآوردن هستند

و فرصت پرداختن به اعتصاب را ندارند، بالعکس دقیقاً همین نان در آوردن است که کارگران را ناگزیر به مبارزه می کند و مبارزه هم می کنند، چون بدون این مبارزه نه می توانند شرایط معیشتی خود را بهبود بخشند و نه حداقل معیشت خود را تامین کنند. اما مبارزه به هر علت ممکن است، هنوز به مرحله - ای نرسیده باشد که کارگران برای تحقق خواست های خود به اعتصاب متوسل گردند. تا زمانی که این شرایط در میان کارگران پدید نیامده باشد، حتی اگر یک سازمان سیاسی، از نفوذ و سازمان یافتگی بسیار خوبی هم در میان کارگران برخوردار باشد، قادر نیست اعتصاب راه بیاندازد. اما وقتی که شرایط در میان خود کارگران آماده باشد، مثل امروز که در تعداد زیادی از کارخانه ها فراهم است، حتی اگر فراخوان اعتصابی هم از جانب یک تشکل صنفی و سیاسی کارگران صادر نشده باشد، کارگران خود به اعتصاب روی می آورند. کمیته اعتصاب تشکیل می دهند و برای تحقق خواست های خود باتوسل به این شکل مبارزه تلاش می کنند. در اینجا ست که کارگران پیشرو، می توانند نقش خود را در ایجاد کمیته های اعتصاب و سازماندهی و رهبری اعتصاب تا پیروزی آن به خوبی ایفا کنند و در همان حال تلاش نمایند، شکل مبارزه کارگران را ارتقاء دهند. تا زمانی که شرایط اعتصاب وجود نداشته باشد، نمی توان کمیته اعتصاب ایجاد کرد و اعتصاب را سازماندهی نمود. لذا تا وقتی که شرایط اعتصاب پدید می آید، کارگران پیشرو باید خود را در کمیته های مخفی کارخانه سازماندهی کرده باشند به کار سازماندهی و ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی توده کارگر بپردازند و برای تحقق مطالبات کارگران ولو در اشکال نازل مبارزه تلاش نمایند. اما در پاسخ به سئوالی که در مورد شعار شوراها و حکومت شورایی مطرح شده است، قبل از هر چیز اشاره کنیم که بی توجهی توده های کارگر و زحمتکش به شوراها، اسلامی رژیم، دلیل روشنی ست بر این که توده های زحمتکش مردم می دانند که آنچه را که رژیم جمهوری اسلامی می خواهد به عنوان شورا به مردم قالب کند، هیچ ربطی به شوراها که ارگانهای اقتدارتوده ای هستند ندارد و در حقیقت تشکل دولتی، علیه مردم اند. بنابراین تحریم آنها از سوی مردم زحمتکش، نشانه آگاهی و بیداری مردم است.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم این است که شعار شوراها را سازمان ما نه از خارج و نه حتی از تجربه جنبش های کارگری در کشورهای دیگر بلکه به طور مشخص از تجربه خود مردم ایران و از ابتکار انقلابی آنها در جریان انقلاب پیشین گرفته است. لذا مبتنی

پاسخ به سؤالات

بر تجربه خود کارگران و زحمتکشان است و رابطه لاینفکی با خواست این مردم زحمتکش، در استقرار یک نظام شورایی دارد. اگر می بینیم که حتا رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی هم سعی می کند به نام شوراها مردم را فریب دهد، دقیقا می داند که توده های مردم ایران علائق و اشتیاق ویژه ای نسبت به شوراها دارند. اما شوراها مختص یک دوران خاص در حیات سیاسی جامعه یعنی زمانی ست که توده مردم به انقلاب روی می آورند. دست به ابتکار عمل می زنند و برای اعمال اقتدار و حاکمیت خود، ارگان های اقتدار را تشکیل می دهند و تازه این شوراها زمانی می توانند به شوراها واقعی یعنی به ارگان های حقیقتا اعمال حاکمیت مستقیم تبدیل شوند که کارگران و زحمتکشان نه فقط رژیم حاکم و طبقه سرمایه دار راسرنگون کنند بلکه تمام دستگاه دولتی موجود را که ابزار اقتدار طبقات ستمگر است، درهم بشکنند، والا سرنوشتی جز شکست نخواهند داشت. سازمان ما بر مسئله شوراها و استقرار حکومت شورایی از آن رو تاکید دارد که تنها از طریق شوراهاست که توده های مردم ایران می توانند به یک دمکراسی حقیقی دست یابند. از آن رو بر مسئله شوراها تاکید می شود که مناسب ترین وسیله اعمال حاکمیت کارگران و زحمتکشان اند. از آن رو بر مسئله شوراها تاکید می شود که به سهل الوصول ترین شکل ممکن، انتقال به سوسیالیسم را امکان پذیر می سازند و باز تاکید می کنیم که قراری نبوده و نیست که شوراها امروز تشکیل شوند، شوراها مختص دوران انقلاب اند و همان گونه که در دوران انقلاب علیه رژیم شاه شاهد شکل گیری شوراها بودیم، خواهیم دید که در جریان انقلابی که به سرنگونی جمهوری اسلامی خواهد انجامید، این شوراها در ابعادی بس وسیع تر و کامل تر شکل خواهد گرفت.